

متن پرسش

خوف آن دارم که محدود کردن خود از فهم و اندازه در مناسبات اجتماعی که خداوند برای هدایت و رشد بشر رقم می زند باعث شود عمرمان کفاف ندهد آنچه را که استعدادش را داشتیم و ندیده گرفتیم، زیان کنیم. مثلا حاج قاسم سلیمانی که چه اندازه هنوز هستند و مردم گوششان به دهان سخنورانیست که بزرگی مردم را نمی شناسند و خود و دیگران را محدود می کنند. اصلا همین اتفاقاتی که این روزها برای آزادی دارد می افتد! انقدر عظیم است و خدا در کار است که باید به خود گفت: (کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش / کی روی؟ ره ز که پرسی؟ چه کنی چون باشی...). باید گفت مردم ما همه جایگاه والایی داریم به اسم نفس واحد توحیدی چرا از آن غافلیم؟ جایگاهی که حتی از اسرائیل مردمی به ما می پیوندند و از منافقان داخلی به دشمن! جایگاهی که به درستی دشمنش هویداست و ذلیل شده و نابود شده... همه اینها به کنار که رنج عظیمیست؛ به من بگو چرا با مسلمانان و با خانواده و دوستان خود بدیم؟ چرا آنقدر باید بشر آخرالزمان را غریب گیر بیاوری؟ بیا تا قدر یکدیگر بدانیم که تا ناگه ز یکدیگر نمانیم / چو مؤمن آینه مؤمن یقین شد چرا با آینه ما روگرانیم / کریمان جان فدای دوست کردند سگی بگذار ما هم مردمانیم / فسون قل اعوذ و قل هو الله چرا در عشق همدیگر نخوانیم / غرضها تیره دارد دوستی را غرضها را چرا از دل نرانیم / گهی خوشدل شوی از من که میرم چرا مرده پرست و خصم جانیم / چو بعد از مرگ خواهی آشتی کرد همه عمر از غمت در امتحانیم / کنون پندار مُردم آشتی کن که در تسلیم ما چون مردگانیم / چو بر گورم بخواهی بوسه دادن رخم را بوسه ده کاکنون همانیم / خمش کن مردهوار ای دل ازیرا به هستی متهم ما زین زبانیم...

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چه اندازه خوب متوجه شده‌اید که ظرفیت مردم این زمانه را بایستی بزرگ داشت. در همین راستا بستری فراهم می‌شود که هرکس «جهانی است بنشسته در گوشه‌ای». در این فضا است که انسان‌های کوتوله، کوتوله‌بودن‌شان معلوم می‌شود و انسان‌های با ظرفیت‌های بزرگ هرجا هستند با بزرگی خود ظهور می‌کنند. این یعنی همان حضور در جهان یکدیگر، وقتی تاریخی شروع شود که همه را در بر گرفته باشد. موفق باشید